

رعایت حق الناس؛ واجب فراموش شده



دکتر غلامحسین خدایی
مدیر مسؤول

سلامت بالاترین نعمتی است که خداوند به هر انسانی عنایت فرموده است. لذا یکی از حقوق مهمی که مردم در مورد خودشان و کارکنان نظام سلامت در مورد آن نیازمند توجه لازم هستند، این است که علاوه بر سلامت مردم به عنوان حق الناس، فضای فیزیکی، تجهیزات، دارو و مجموعه امکانات آرایه خدمات نیز امانتی از طرف مردم در اختیار کارکنان نظام سلامت است که با حفظ آن می توان خدمات با کیفیتی به مردم آرایه داد. چنانچه هرگونه قصوری در حفظ اموال و یا در نحوه آرایه خدمات کوتاهی شود، در واقع حق مردم ضایع شده است که جبران آن با سایر عبادات مانند نماز، روزه، حج و... امکان پذیر نیست.

بنابراین، هرگونه تجاوز، تقلب، غش، کم فروشی در آرایه خدمات، معاملات ربوی، رشوه، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن‌ها نباشد، تحت این قانون کلی قرار دارند.

در کتب روایی نیز توجه فراوانی به رعایت حق الناس شده است به طوری که اگر تمام روایات مربوط جمع بندی شود، چندین جلد کتاب خواهد شد اما در اینجا به چند نمونه از روایات اشاره می شود.

حضرت علی علیه اسلام می فرمایند: «أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا» «اما ظلمی که بخشوده نمی شود ظلمی است که بعضی از بندگان خدا بر بعضی دیگر می کنند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

و در روایت دیگری آن حضرت حتی ادای حق الناس را از حق... مهم تر دانسته و می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً عَلَى حُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ» «خداوند حقوق بندگان را مقدم بر حقوق خود قرار

«حق الناس» در قرآن و روایات معصومان (ع) و سایر متون اسلامی جایگاه خاصی دارد. برپاداشتن قسط و عدل و برقراری عدالت اجتماعی و ادای حقوق مردم یکی از عمده ترین اهداف بعثت پیامبران بوده است.

در این جا چون صاحب حق مردم اند، رعایت و نادیده گرفتن آن ارتباط مستقیمی با عدالت خداوند دارد. خداوندی که یکی از صفاتش عادل بودن است و دینی که یکی از اصولش عدل است، چگونه ممکن است حقوق انسان‌ها برایش کم اهمیت باشد؟

در دین اسلام، رعایت حقوق انسان‌ها از جهتی شاید بر حق خداوند نیز رجحان دارد به طوری که خداوند ممکن است در روز قیامت از حق خود بگذرد اما هیچ گاه از حق بندگان نخواهد گذشت. البته باید توجه داشت که حق الناس خود نوعی از حق... هم هست. زیرا هیچ کس جز خدا اصالتا و ذاتا حقی ندارد و حقوق مردم از جانب خدا تعیین شده و تزییع آن مخالفت با حکم الهی و در واقع مخالفت با «حق...» است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید، آیه ۲۵): «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل را نازل کردیم تا مردم عدالت را بر پادارند.»

این نشان از آن دارد که احترام به حقوق دیگران و ادای آن یکی از اساسی ترین اهداف ادیان آسمانی است. قرآن کریم در آیات بسیاری مؤمنان را چه در باب مسایل اقتصادی و چه در باب حقوق اجتماعی و... دعوت به احترام به حقوق مردم کرده است. در اینجا تنها به دو نمونه از این آیات اشاره می کنیم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را از طرق نامشروع و غلط و باطل نخورید» (نساء ۲۹)

یعنی، هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده است.

قرآن کریم به هنگام نکوهش از قوم یهود و ذکر اعمال زشت آنان می فرماید: «... وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ...» (نساء ۱۶۱) «آنان در اموال مردم بدون مجوز و به ناحق تصرف می کردند» ناگفته پیداست که مراد از خوردن در این آیه کنایه از هرگونه تصرف است خواه به صورت خوردن معمولی باشد یا پوشیدن و یا سکونت و یا غیر آن و چنین تعبیری در زبان فارسی نیز رایج است.

داده و کسی که حقوق بندگان را رعایت کند، حقوق الهی را نیز رعایت خواهد کرد» (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۸۰)

باید گفت بر اساس آیات و روایات اسلامی، مردم و مؤمنان دارای سه نوع حق و احترام هستند.

۱. احترام به مال مردم

در دیدگاه اسلامی، مال و دارایی مؤمن و گاهی اموال دیگران محترم است و مصونیت دارد و اتلاف و تجاوز در آن مجاز نیست، بنابراین اگر کسی از راه ربا، رشوه، فریب کاری، سرقت و بالاخره هرگونه تصرف نامشروع، مالی را از کسی خورده باشد، باید به تحصیل رضایت صاحب مال و یا بازپس دادن آن مال اقدام کند.

۲. احترام به جان مردم

جان مسلمان از نظر اسلام حرمت خاصی دارد، بنابراین هیچ کس نمی تواند به جان مسلمان، لطمه ای از قبیل ضرب و جرح وارد آورد یا با دادن غذای فاسد و مسموم و یا اعتیاد به مواد مخدر و آلوده کردن محیط زندگی، کوتاهی در ارائه خدمات، سلامتی کسی را به خطر اندازد. بنابراین احترام به جان و بدن و سلامتی افراد، تا آن حد مورد اهمیت و مؤاخذه است که حتی خداوند هم از آن صرف نظر نمی کند! امام علی علیه السلام فرمود: خداوند می فرماید: «به عزت و جلال خودم سوگند، از ظلم هیچ ظالمی نخواهم گذشت، اگر چه به اندازه دست بردستی زدن باشد، یا با فشار دادن دستی از روی ستم، محقق شده باشد»

(علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۹) علاوه بر احترام و حرمت جسم و بدن دیگران، انسان نمی تواند با ترساندن و اندوهگین ساختن، آزردن و خلاصه هرگونه عملی که موجب ناراحتی اعصاب و روان دیگران شود، در غیر این صورت باید همه ضربه ها و خسارت های وارده را جبران کند و اگر چنین نکند در دنیا و آخرت کیفر کردار ناروای خویش را خواهد دید.

۳. حفظ آبروی دیگری و احترام به آن

عرض و آبروی افراد هم، دارای حرمت و مصونیت فوق العاده ای است و از موارد حق الناس به شمار می آید. بنابراین انسان نمی تواند به وسیله غیبت، تهمت، افشاگری و هرگونه رفتار دیگری، به آبرو و حیثیت دیگری ضربه و آسیبی وارد کند، زیرا در غیر این صورت مرتکب ظلم بزرگی در حق او شده که باید به جبران آن بپردازد. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ» «هر کس حیثیت مؤمنی را بشکند، بر او واجب است که آن را جبران کند. (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۵۱)

نتیجه گیری

حاصل آن که، حق الناس از نظر اسلام با عدالت و حکمت الهی رابطه ای تنگاتنگ دارد و دارای گستره وسیعی است. به عبارتی حق الناس در همه ابواب فقه وجود دارد و می توان گفت که بانی از ابواب فقه اسلامی نیست، مگر این که مسایل فراوانی در زمینه حق الناس وجود دارد. پس باید دانست که جامعه بر عهده هر یک از اعضای خود حقوقی دارد که همگی به احترام و ادای آن موظفند و عمل به آن چه آدمی، خود انتظار انجام آن را از دیگران دارد، پایین ترین درجه آن است. چنان که از امام صادق علیه السلام درباره حق مؤمن بر مؤمن سؤال شد، آن حضرت فرمودند: «... أَيْسَرُ حَقِّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ ...» «کمترین میزان حقوق برادرت بر تو آن است که آن چه را برای خود دوست می داری برای او نیز دوست بداری و آن چه را برای خودت نمی پسندی، برای او نپسندی.» (علامه مجلسی بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۴) و در جای دیگری می فرمایند: «أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ إِلَّا الدِّينَ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ قَضَائِهِ»: «اولین قطره خون شهید، کفاره گناهان او است، مگر بدهکاری که کفاره آن ادای دین است» (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۳، ح ۳۶۸۸)

نتیجه آن که اگر خدا از حق محض خود بگذرد از لطف اوست، اما در مورد حق الناس پای دیگری در میان است و اگر او نگذرد، بدون احقاق حق عدالت اجرا نشده است.